



## علیرضا صدرا؛ متفکر مولف

پدیدآورنده (ها) : رضوانی، محسن

علوم اجتماعی :: نشریه علوم انسانی اسلامی صدرا :: پاییز و زمستان ۱۴۰۱ - شماره ۴۲ و ۴۳

صفحات : از ۱۹۳ تا ۱۹۵

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2020004>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## عناوین مشابه

- گزارش؛ معرفی کتاب؛ مبادی علم سیاست متعالی؛ مولف: مرحوم دکتر علیرضا صدرا
- گزارش؛ تازه‌های نشر؛ جنبش نرم‌افزاری و تحول علمی - فرهنگی؛ مولف: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا پیروزمند
- علیرضا صدرا؛ به دنبال حکمت سیاسی اسلامی
- علیرضا صدرا؛ استاد علمی و اخلاقی تراز انقلاب اسلامی
- گزارش؛ ارتباطات در قرآن کریم: پیام و پیام‌رسانی؛ مولف: دکتر علیرضا پویا
- خوانش سیاسی متون حکمت متعالیه؛ علیرضا صدرا
- علامه حسن‌زاده؛ متفکر مولف؛ نگاهی به آثار استاد حسن‌زاده آملی (ره)؛ دکتر محمد کاظم فرقانی
- علیرضا صدرا؛ فراتر از گروه و جریان
- شخصیت علیرضا صدرا به مثابه حکمت عملی
- مضمون‌سازی با شگرد فراخوانی شخصیت در اشعار علیرضا قزوه



## علیرضا صدرا؛ متفکر مؤلف

### گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین دکتر محسن رضوانی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محسن رضوانی دانشیار گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) است. برخی از آثار این استاد حوزه و دانشگاه عبارتند از: کتابها: فلسفه سیاسی اسلامی در غرب؛ اصطلاحنامه فلسفه سیاسی؛ اشتراوس و فلسفه سیاسی اسلامی؛ چشم انداز دانش سیاسی در ایران. مقالات: «تأملی بر ماهیت دانش سیاسی اسلامی»؛ «افلاطون و نقد دموکراسی مدرن»؛ «قانون و مبانی هستی‌شناختی آن در فلسفه سیاسی شهید صدر»؛ «بررسی نظریه اصالت فرد در فلسفه سیاسی اسلامی».

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محسن رضوانی در این گفت و گو بر شخصیت جمع‌گرای مرحوم دکتر علیرضا صدرا اشاره دارد. ایشان منش جمع‌گرای دکتر صدرا در زمینه فلسفه سیاسی را الهام گرفته از فارابی می‌داند؛ فارابی که سعی بر تجمیع آرای اندیشمندان و توجه به نقاط مشترک آنها داشته است؛ به عنوان مثال می‌توان کتاب الجمع بین رأی الحکمی فارابی را مثال زد که سعی کرده میان آرای افلاطون و ارسطو جمع کند.

دکتر صدرا نیز معتقد بود می‌توان با صرف نظر از برخی اختلافات جزئی میان حکما و اندیشمندان، نقاط مشترک مباحث آنها را به یک نخ تسبیح تشبیه کرد که می‌تواند حلقه وصل مباحث همه اندیشمندان و حکما باشد و اندیشه‌هایی مانند اندیشه‌های حکمای فضیلت‌مدار، حکمای اخلاق‌مدار، حکمای الهی و حکمای متأله را با یکدیگر جمع نماید. در واقع هنر دکتر صدرا این بود که به صرف وجود پاره‌ای اختلافات جزئی موجود در نظرات یک دانشمند، او را به کلی کنار نمی‌گذاشت. البته شخصیت جمع‌گرای دکتر صدرا به مباحث علمی محدود نمی‌شد و به مشی اخلاقی ایشان نیز قابل تسری بود؛ لذا ایشان در مواجهه با نظرات مختلف و گاه مخالف دیگران نگاهی اعتدالی، متواضعانه و اخلاقی داشت.



## مهم‌ترین ویژگی روشی در تتبعات فکری مرحوم استاد صدرا چه بوده است؟

می‌خواهم در بحثی تحت عنوان استاد صدرا و الجمع بین رأی الحکماء به یکی از ویژگی‌های علمی جناب استاد صدرا اشاره کنم. حدود ۲۴ سال توفیق استفاده از محضر استاد صدرا را به گونه‌های مختلف داشتم؛ چه در زمانی که در کلاس‌های درس ایشان در مدرسه علمی ایشان حضور داشتم و چه در مدت طولانی شش یا هفت ساله یا شاید هم بیشتر در تدوین اصطلاح‌نامه فلسفه سیاسی در دایرةالمعارف علوم عقلی مؤسسه امام خمینی (ره) هر یک هفته در میان جلسات طولانی پنج تا شش ساعت داشتیم و از نظرات جناب استاد صدرا استفاده می‌کردیم. همچنین در حدود این ده سال در مجمع عالی حکمت اسلامی که از محضر استاد صدرا چه به صورت حضوری و چه به صورت مجازی بهره می‌بردیم.

آنچه بنده به عنوان کمترین شخصی که از محضر استاد بهره بردم، فهمیدم، دغدغه جناب استاد صدرا این بود که همواره تلاش می‌کردند بین آرای حکما، یک جمع و تلفیقی برقرار کنند. این دغدغه، دغدغه برجسته‌ای بود که در مباحث جناب استاد صدرا وجود داشت؛ همان‌طور که جناب فارابی تلاش کرد در کتاب الجمع بین رأی الحکماء یک تلفیق، یک توفیقی و یک جمعی بین آرای افلاطون و ارسطو برقرار کنند؛ در پاسخ کسانی که تلاش می‌کردند آرای این دو حکیم را متعارض و متناقض ببینند. جناب فارابی تلاش کردند بین آرای این دو حکیم یک توفیق و جمعی برقرار کنند و توفیق و جمع به معنای عدم اختلاف نیست. اختلاف قابل قبول است. گاهی بین دو حکیم اختلافاتی از لحاظ نظری وجود دارد، ولی اینکه با همدیگر تضاد و تعارض داشته باشند، به گونه‌ای که به تعبیر امروز دو رویکرد، دو رهیافت و دو منظر کاملاً متفاوت باشند. این را جناب فارابی نمی‌پذیرد. این کتاب در حدود سی‌زده الی چهارده مسئله را تک تک بررسی می‌کند و یک توفیق و جمعی بین آرای افلاطون و ارسطو ایجاد می‌کند.

## به آن اشاره نکرده بود؟

جناب استاد صدرا در مباحث خودشان همواره تلاش می‌کردند این مشی را در مباحث فلسفه سیاسی دنبال کنند. ایشان از حکمای قدیم چه افلاطون و ارسطو و چه حکمای اسلامی و اندیشمندان و فیلسوفان غربی، دیدگاه‌هایی داشتند که برخی از این دیدگاه‌ها را می‌توانستند از منظر رویکردهای دینی و اسلامی مورد توجه قرار دهند. حتی آن‌ها هم سعی می‌کردند به آن دغدغه‌ها توجه کنند و یک توفیق و تلفیقی بین حکما برقرار کنند.

همان‌طور که اساتید محترم مطلع هستند، مشی شخصی و ویژگی‌های اخلاقی ایشان که در جلسه قبل تلاش شد و ویژگی‌های اخلاقی جناب استاد صدرا مطرح شود، بسیار ارزشمند است. در همین جمع، مشی اخلاقی ایشان همواره این بود که سعی می‌کردند یک نگاه اعتدالی و یک نگاه متوازن و یک نگاه اخلاقی نسبت به اشخاص، اندیشه‌ها و نسبت به دیگران داشته باشند و به هر حال تلاش ایشان همواره این بود که این جمع را در مباحث حکما برقرار کنند. همواره این تلاش در استاد صدرا مشهود و مشهور بود؛ به‌ویژه در مباحث اسلامی همواره جناب استاد صدرا این مطلب را که به نوعی در مباحث شیخ اشراق هم هست و در مباحث هانری گرن هم مطرح شده است مطرح می‌کنند. دکتر صدرا وقتی به حکمای یونان می‌پرداختند، می‌گفتند این مباحثی که حکمای یونان مانند سقراط و ارسطو و افلاطون مطرح می‌کنند، در واقع منشاء بحث‌هایی که در یونان شکوفا شده و شکل گرفته است، آن مباحثی است که در ایران باستان وجود داشته و مباحثی هم که در ایران باستان وجود داشته در واقع مباحثی هستند که در انبیای الهی بوده است و امتداد حکمت انبیای الهی به ایران آمد و از ایران شاخه‌ای به مصر و شاخه‌ای به یونان و امثال اینها رفت و دوباره به جهان اسلام برگشت و امتداد پیدا کرد و به نوعی پخش شد.



## تناظرات پروژه فکری انسان صدرا برای زمان حال و معاصر چه بود؟

با وجود اختلافاتی که گاهی در مسائل جزئی در میان حکما وجود داشت، استاد صدرا همواره معتقد بود اینها با یک نخ تسبیح به همدیگر متصل و وصل هستند. حکمای



نوآوری استاد صدرا در این الهام خود از  
فارابی چه بود؟ یعنی توانست به نکته‌ای  
در خصوص فلسفه قدما برسد که حتی فارابی هم

در بسیاری از مواقع وقتی مطرح می‌شد که فرایند چنین مطلبی را فلان اندیشمند مسلمان مطرح نکردند، ایشان بلافاصله می‌فرمودند که فرضاً این اندیشمند به این مطلب توجه نکرده، ولی به آن مطالب توجه کرده و ایشان پنج تا ده مورد از آن اشارات را نام می‌بردند که بیان‌کننده بزرگی آن اندیشمند بود.

و بروزش در آثار فارابی هست و گاهی هم اندیشمندی این را مطرح نمی‌کند و ظهور و بروزی هم ندارد، ولی قطعاً می‌توانیم از مباحث دیگری که در بحث‌های این حکما وجود دارد، این را استفاده و استنباط کنیم. ■

فضیلت مدار و اخلاق مدار حکمای الهی و حکمای متاله به یکدیگر متصل هستند؛ لذا وقتی در جهان اسلام به فارابی و ابن سینا و به ویژه خواجه نصیرالدین طوسی می‌پرداختند و حتی در این یکی دو دهه اخیر که ایشان به صورت متمرکز به مباحث ملاصدرا توجه داشتند و به طور جزئی و عمیق به می‌پرداختند، امتداد آن را در حکمای معاصرمانند حضرت امام (ره) علامه جعفری، علامه جوادی آملی و علامه مصباح یزدی و اساتید دیگر مورد توجه قرار می‌دادند. در واقع به آرا و اندیشه‌های ایشان توجه داشتند و تلاش داشتند و با یک نخ تسبیح این دانه‌ها را و حکما را به همدیگر متصل کنند. این ویژگی علمی جناب استاد صدرا بود که ثمرات بسیار زیادی دارد. در محافل علمی گاهی به خاطر پاره‌ای اختلافات جزئی که بین یک اندیشمند با اندیشمند دیگر وجود دارد، این محفل ترک می‌شود.

گاهی محسنات و زوایای قوی و پنهانی که در یک عالم و اندیشمند وجود دارد، نادیده گرفته می‌شود و به نوعی آثار و سیره علمی و عملی او مورد توجه واقع نمی‌شود. درحالی‌که جناب استاد صدرا این‌گونه نبود. ایشان همواره در تلاش بود که بین آرای حکما جمع و توفیقی برقرار کند. در حال این یک مزیت تألیفی بزرگ کار استاد صدرا بود و ارزش داشت و می‌توانست در هویت‌یابی جامعه اسلامی و جامعه ایرانی بسیار مؤثر باشد و به جای تمرکز بر اختلافات، به اشتراکات و نکات مشترک و آن دیدگاه‌هایی که در نظرات حکما وجود دارد توجه شود.

در بسیاری از مواقع وقتی مطرح می‌شد که فرایند چنین مطلبی را فلان اندیشمند مسلمان مطرح نکردند، ایشان بلافاصله می‌فرمودند که فرضاً این اندیشمند به این مطلب توجه نکرده، ولی به آن مطالب توجه کرده و ایشان پنج تا ده مورد از آن اشارات را نام می‌بردند که بیان‌کننده بزرگی آن اندیشمند بود. باز هم این نکته را بیان می‌کردند که شاید به لحاظ نوشتاری نتوانیم بفهمیم آیا او دغدغه بحث‌های سیاسی را داشته یا خیر، ولی مگر ممکن است او دغدغه فلسفه سیاسی نداشته باشد؛ زیرا وقتی که یک حکیم این بحث‌ها را مطرح می‌کند، حتماً در پس اندیشه او یک نگاهی به نظم جامعه و یک نگاهی به وضعیت جامعه و یک دغدغه‌ای نسبت به سیاست زمان وجود داشته است. گاهی یک اندیشمندی اینها را کاملاً مطرح می‌کند و ظهور